

محمد میلم ندفپور*

جرانیدپرونده ترور رهبر انقلاب را هر کارد؟

در دهه اخیر، رهبر شهید انقلاب اسلامی مکرراً در دیدار با مسئولان قوه قضائیه تأکید کرده بودند که جمهوری اسلامی ایران نباید به محکومیت‌های سیاسی و رسانه‌ای فنانگفت، بلکه لازم‌است از تمامی ظرفیت‌های حقوقی داخلی و بین‌المللی برای تعقیب مجرمان و احقاق حقوق ملت بهره برد. ایشان در یکی از این دیدارها صریحاً اشاره کردند که در برخی پرونده‌های گذشته کوتاهی شده و پیگیری‌های حقوقی باید با جدیت دنبال شوند. اکنون که خود ایشان قربانی بزرگ‌ترین جنایت علیه حاکمیت ملی شده‌اند، وفاداری به آن مطالبه، بیش از هر زمان دیگر اهمیت یافته است.

ممکن است عده‌ای پیگیری حقوقی جنایات بین‌المللی را اقدامی تشریفاتی و بی‌ثمر بیندازند، زیرا این فرایند ممکن است سال‌ها طول بکشد و به محکومیت عاملان منجر نشود. اما این برداشت، شناخت نادرستی از نقش حقوق بین‌الملل ارائه می‌دهد. در نظام بین‌الملل، پیگیری حقوقی صرفاً به منظور صدور حکم نیست، بلکه بخشی از ابزارهای اعمال قدرت، دفاع از منافع ملی و جلوگیری از شکل‌گیری رویه‌های خطرناک است. هر عملی که بدون پاسخ حقوقی بماند، به‌تدریج به رویه تبدیل می‌شود و امکان تکرار آن علیه دیگر دولت‌ها افزایش می‌یابد.

اگر انتقام را بازگرداندن هز یزنه جرم به مرتکب بدانیم، این هدف تنها

با ابزار نظامی محقق نمی‌شود، حقوق نیز سلاخی می‌ژد. اثر اختیار دولت‌هاست. شکایت، اقامه دعوی، مستندسازی، مؤثر اجاب

بین المللی و افزایش هزینه‌های سیاسی و حقوقی عاملان، جلوه‌هایی

از انتقام حقوقی هستند که بر عدالت و حاکمیت قانون استوارند و

می‌توانند از مشروعیت یافتن رفتار مجرمان جلوگیری کنند.

اهمیت این رویکرد تأثیرات مستقیم بر امنیت ملی دارد. یک قاعده شناخته‌شده در سیاست جنایی این است که بی‌کیفرمانی، زمینه تکرار جرم را فراهم می‌آورد. این قاعده در روابط بین‌الملل نیز صادق است. اگر دولت مرتکب احساس کند اقدامش هزینه حقوقی و سیاسی قابل‌توجهی نخواهد داشت، انگیزه تکرار افزایش می‌یابد. افزون بر این، مقامات عالی‌کُتور ممکن است برای کاهش خطر، عملکرد خود را با محدودیت‌های امنیتی بیشتری همراه سازند. بنابراین پیگیری حقوقی،

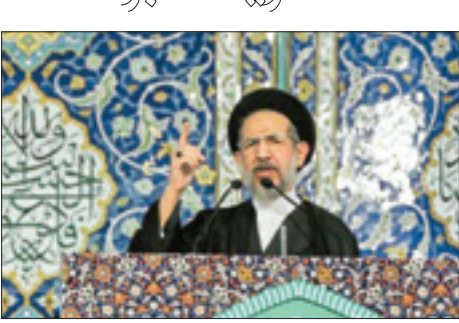
علاوه بر مطالبه عدالت، بخشی از سازوکار بازدارندگی ملی نیز هست.

آثار بین‌المللی این پیگیری به‌اندازه آثار داخلی آن مهم است. حقوق بین‌الملل، بر خلاف تصور رایج، مجموعه‌ای صرفاً ثابت از قواعد نیست؛ بخشی مهمی از آن در نتیجه کنش دولت‌ها و مطالبه‌گری مستمر شکل می‌گیرد. در شرایطی که ناکارآمدی برخی سازوکارهای سنتی حقوق بین‌الملل آشکار شده است، کنش فعال جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه در دوره ساجنگ، می‌تواند در بازتعریف و شکل‌دهی به نظم عاده‌لذته نقش‌آفرین باشد. سکوت در برابر ترور عالی‌ترین مقام رسمی کشور، عادی‌سازی این رفتار را تسهیل و یکی از پایه‌های نظم حقوقی بین‌المللی را تضعیف می‌کند.

پیگیری چنین پرونده‌های مستلزم یک راهبرد ملی منسجم است: هماهنگی میان مراجع حقوقی، دستگاه دیپلماسی، نهادهای رسانه‌ای و بخش‌های فرهنگی، همراه با استمرار مطالبه‌گری و مستندسازی دقیق. اگر این جنایات بدون پیگیری مؤثر رها شود، بی‌کیفرمانی تقویت می‌شود، امنیت ملی ایران در معرض مخاطرات بیشتری قرار می‌گیرد و عادی‌سازی ترور رهبران کشورها یک گام دیگر تثبیت خواهد شد. اما اگر مسیر پیگیری را صبر، برنامه‌ریزی و پشتوانه حقوقی دنبال شود، انتقام خون رهبر شهید نه تنها در میدان، بلکه در عرصه حقوق نیز به مطالبه‌ای ماندگار تبدیل خواهد شد؛ مطالبه‌ای که از حقوق ملت ایران دفاع می‌کند و به استحکام نظم حقوقی بین‌المللی کمک می‌نماید.

*** عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات راهبردی**

گریه‌خیز



اوپو ترابی فرد با اشاره به شکست‌های میدانی امریکا:

آنچه در میدان نگرفتند با تفاهم هم نمی‌گیرند

خطیب نماز جمعه تهران با تأکید بر اینکه ارتش تروریستی امریکا طی چهار ماه گذشته با به‌کارگیری همه ظرفیت‌های خود نتوانست آبراهه هر مز را از اراده نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران خارج کند، گفت: «امریکا در همه عملیات حقوقی خود شکست‌های تاریخی را تجربه کرد و آنچه را در ۱۲ روز نبرد سخت به دست نیاورد، هرگز از مسیر تفاهم نیز به دست نخواهد آورد؛ چرا که امروز ابتکار عمل در اختیار ایران و محور مقاومت است.»

حجت‌الاسلام محمدحسن ایوترابی، خطیب نماز جمعه تهران، با اشاره به تحولات متمادی که در منطقه تلاش‌های امریکا برای تغییر موازنه میدانی را ناکام توصیف کرد و گفت: «ارتش تروریستی امریکا در این مسیر مدت از همه ظرفیت‌های خود استفاده کرد تا آبراهه هرمز را تحت اراده نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران خارج کند، اما در دستنهایی به این هدف نرسید. امریکا باید اینکه امریکا در تمامی عملیات‌های خود شکست تلخی را تجربه کرد، افزود: «ارتش امریکا در این مسیر خسارت‌های فراوانی نیز متحمل شد و نتوانست اهدافی را که برای تغییر وضعیت میدانی دنبال می‌کرد، محقق سازد.»

خطیب نماز جمعه تهران با تأکید بر اینکه نتیجه چهار ماه نبرد سخت، برتری جمهوری اسلامی ایران در میدان بوده است، تصریح کرد: «آنچه در میدان ۱۲۰ روز نبرد سخت به دست نیاوردند، هرگز با تفاهم به دست نخواهند آورد.» وی این جمله را بیانگر واقعیتی دانست که در عرصه میدانی شکل گرفته و نشان می‌دهد دستاوردهایی که امریکا با بهره‌گیری از توان نظامی، فشارهای امنیتی و اقدامات عملیاتی خود نتوانست به آن برسد، از مسیر مذاکرات و تفاهم نیز قابل دستنهایی خواهد بود. خطیب نماز جمعه تهران در ادامه با اشاره به تغییر موازنه قدرت در منطقه اظهار داشت: «امروز ابتکار عمل به دست ایران و محور مقاومت است.» وی تأکید کرد این واقعیت، حاصل ایستادگی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و مقاومت در برابر فشارها و اقدامات امریکا طی ماه‌های گذشته است. وی خاطر نشان کرد امریکا با وجود به‌کارگیری همه امکانات و ظرفیت‌های خود، نتوانست اراده نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران را مدیریت آبراهه هرمز تضعیف کند و همه تلاش‌هایش برای تغییر معادلات منطقه با شکست روبه‌رو شد.

خطیب نماز جمعه تهران در پایان با تأکید بر اینکه تحولات میدانی، مبنای اصلی معادلات سیاسی آینده خواهد بود، تصریح کرد: «تجربه چهار ماه گذشته نشان داد آنچه امریکا در میدان از دستنهایی به آن عاجز ماند، از طریق تفاهم نیز به دست نخواهد آورد و ابتکار عمل همچنان در اختیار جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت باقی خواهد ماند.»

شنبه ۲۰ تیر ۱۴۰۵ | ۲۶ محرم ۱۴۴۸

سرویس سیاسی، ۰۸۵۲۳۰۶

کارشناس مسائل بین‌الملل در گفت‌وگو با «جوان»:

حقوق بشر «پروژه» امریکا علیه کشورهای مستقل است



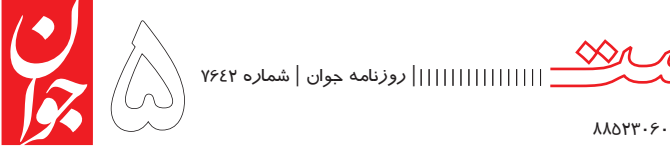
امریکا چه زمانی و چگونه از حربه حقوق

بشر علیه ایران استفاده کرده‌است؟

امریکایی‌ها اساساً در حکمرانی خود، نگاه خاصی به مقوله حقوق بشر دارند. هرچند زستی مطرح می‌سازند که حقوق بشر را به‌عنوان پارامتری برای حکمرانی، صلح، آزادی و دفاع از حقوق انسان‌ها معرفی می‌کنند، اما عملاً در صحنه عمل، نگاه آنان به حقوق بشر، نگاهی پروژه‌ای است و از این مفهوم به‌عنوان ابزاری برای اغراض سیاسی و تأمین قدرت خود استفاده می‌کنند.

امریکایی‌ها معمولاً حربه حقوق بشر را علیه کشورهای مستقل به کار می‌گیرند، یعنی کشورهایی که به هر دلیل زیر چتر سیاسی امریکا نمی‌روند، معمولاً مورد حمله حقوق بشری و اشنیگتن قرار می‌گیرند. یکی از مهم‌ترین این کشورها که همواره در عرصه بین‌الملل هدف حمله حقوق بشری امریکا قرار گرفته، ایران اسلامی است. چند سال پیش،

امریکایی‌ها، به‌ویژه در مورد ایران، همواره تلاش می‌کنند از ابزار و حربه حقوق بشری استفاده کنند. به‌عنوان مثال، هر زمان که پرونده هسته‌ای ایران در عرصه بین‌المللی مطرح می‌شود، یک قانون نانوشته وجود دارد و آن این است که به‌موازات ماجرای هسته‌ای، ماجرای حقوق بشر را نیز علیه ایران پیش می‌کشند. برای نمونه، دقیقاً پیش از ماجرای برسام و توافق ژنو در دهه ۹۰، هم‌زمان با آن ایام، ماجرای حقوق بشر علیه ایران نیز اوج گرفت. در همان دهه ۹۰ بود که برای ایران گزارشگر ویژه حقوق بشر تعیین کردند و قطعنامه‌های حقوق بشری علیه



بار قطعنامه‌های آتش‌بس را وتو کرده و عملاً با همه امکانات، اسرائیل را در ارتکاب کودک‌کشی و نسل‌کشی همراهی نموده است. مجموعه جنایت‌هایی که در غزه رقم خورده، تا جایی پیش رفته که حتی حقوق بین‌الملل موجود نیز عنوانی برای برخی از آنها نمی‌تواند بیابد. برای نمونه، با پدیده‌ای مواجه بودیم که کودکی از یک خانواده، تمام بستگان نزدیک خود را از دست داده بود و هیچ کس را نداشت؛ اینکه از منظر حقوقی چه نامی بر این فاجعه باید نهاد، خود گویای عمق جنایت است و همه اینها با چراغ سبز امریکا اتفاق افتاد.

ضلع دوم، رویکرد صریح غارت‌گرانه است. جایی که آقای ترامپ آشکارا به درز دریایی بودن افتخار می‌کند و مدعی می‌شود که می‌توانند منابع انرژی کشورهای دیگر را تصرف کنند. ضلع سوم مربوط به اقدام آشکار در نقض حاکمیت ملی کشورهاست که نمونه‌بارز آن حمله به یک کشور قانونی و بازداشت رئیس‌جمهور قانونی ونزوئلا، که به آن نیز مباحات می‌کنند. ضلع چهارم، بر سر مردن کشورهای دیگر به‌عنوان بخشی از خاک خود است، مثلاً کلتانار ایالت پنجابو یکم جزیره گرینلند را متعلق به خود می‌خوانند. به‌این ترتیب، حتی القاب حقوق بین‌الملل نیز رعایت نمی‌شود و دیگر نه‌تنها نقاب، بلکه همان ورتنی که امریکایی‌ها پیش‌تر و با وجود همه جنایت‌های پشت پرده سعی در حفظ آن داشتند، نیز کنار رفته است. مجموع این شرایط نشان می‌دهد که حقوق بشر امریکایی امروز در متضخ‌ترین وضعیت ممکن قرار دارد و پارادایم آن از رویکرد لیبرالیستی به وضعیت «قانون جنگل» تغییر یافته است. در واقع، حقوق بشر امریکایی امروز آمیزه‌ای است از زد‌ی، غارت، جنایت، جنگ افروزی و نقض تعهدات و توافق‌نامه‌های بین‌المللی. این حقوق بشر، هیچ به‌منایه یک پروژه و ابزار برای اغراض سیاسی به کار می‌گیرند، با این تفاوت که پیش‌تر در ظاهر امر سعی می‌کردند تصویری نه‌چندان نامطلوب ارائه دهند. اما در دوره آقای ترامپ و طی دو سال اخیر، نقاب‌ها کنار رفته و امریکایی‌ها حتی زُست حقوق بشری را نیز کنار گذاشته‌اند. بدین معنا که اگر پیش‌تر ظاهری را رعایت می‌کردند و پشت پرده مرتکب جنایت می‌شدند، اکنون دیگر نه‌تنها آن نقاب، بلکه حتی آن ویرترین رانیز حفظ نمی‌کنند. در واقع، حقوق بشر امریکایی امروز به یک فاجعه تمام‌عیار برای جریان غرب و نظام فکری آن تبدیل شده است. در دو سال گذشته و در دوره دوم دولت ترامپ، چند ضلع مشخص در این زمینه قابل توجه است:

بار قطعنامه‌های آتش‌بس را وتو کرده و عملاً با همه امکانات، اسرائیل را در ارتکاب کودک‌کشی و نسل‌کشی همراهی نموده است. مجموعه جنایت‌هایی که در غزه رقم خورده، تا جایی پیش رفته که حتی حقوق بین‌الملل موجود نیز عنوانی برای برخی از آنها نمی‌تواند بیابد. برای نمونه، با پدیده‌ای مواجه بودیم که کودکی از یک خانواده، تمام بستگان نزدیک خود را از دست داده بود و هیچ کس را نداشت؛ اینکه از منظر حقوقی چه نامی بر این فاجعه باید نهاد، خود گویای عمق جنایت است و همه اینها با چراغ سبز امریکا اتفاق افتاد.

ضلع دوم، رویکرد صریح غارت‌گرانه است. جایی که آقای ترامپ آشکارا به درز دریایی بودن افتخار می‌کند و مدعی می‌شود که می‌توانند منابع انرژی کشورهای دیگر را تصرف کنند. ضلع سوم مربوط به اقدام آشکار در نقض حاکمیت ملی کشورهاست که نمونه‌بارز آن حمله به یک کشور قانونی و بازداشت رئیس‌جمهور قانونی ونزوئلا، که به آن نیز مباحات می‌کنند. ضلع چهارم، بر سر مردن کشورهای دیگر به‌عنوان بخشی از خاک خود است، مثلاً کلتانار ایالت پنجابو یکم جزیره گرینلند را متعلق به خود می‌خوانند. به‌این ترتیب، حتی القاب حقوق بین‌الملل نیز رعایت نمی‌شود و دیگر نه‌تنها نقاب، بلکه همان ورتنی که امریکایی‌ها پیش‌تر و با وجود همه جنایت‌های پشت پرده سعی در حفظ آن داشتند، نیز کنار رفته است. مجموع این شرایط نشان می‌دهد که حقوق بشر امریکایی امروز در متضخ‌ترین وضعیت ممکن قرار دارد و پارادایم آن از رویکرد لیبرالیستی به وضعیت «قانون جنگل» تغییر یافته است. در واقع، حقوق بشر امریکایی امروز آمیزه‌ای است از زد‌ی، غارت، جنایت، جنگ افروزی و نقض تعهدات و توافق‌نامه‌های بین‌المللی. این حقوق بشر، هیچ

به‌منایه یک پروژه و ابزار برای اغراض سیاسی به کار می‌گیرند، با این تفاوت که پیش‌تر در ظاهر امر سعی می‌کردند تصویری نه‌چندان نامطلوب ارائه دهند. اما در دوره آقای ترامپ و طی دو سال اخیر، نقاب‌ها کنار رفته و امریکایی‌ها حتی زُست حقوق بشری را نیز کنار گذاشته‌اند. بدین معنا که اگر پیش‌تر ظاهری را رعایت می‌کردند و پشت پرده مرتکب جنایت می‌شدند، اکنون دیگر نه‌تنها آن نقاب، بلکه حتی آن ویرترین رانیز حفظ نمی‌کنند. در واقع، حقوق بشر امریکایی امروز آمیزه‌ای است از زد‌ی، غارت، جنایت، جنگ افروزی و نقض تعهدات و توافق‌نامه‌های بین‌المللی. این حقوق بشر، هیچ

تعریف سابق از حقوق بشر امریکایی را معتبر و باقی‌دانستند که بر اساس آن، نهادهای بین‌المللی و کشورها را مبنای رفتار خود با سایرین قرار دهند؟ همان‌گونه که اشاره شد، امریکایی‌ها حقوق بشر را به‌منایه یک پروژه و ابزار برای اغراض سیاسی به کار می‌گیرند، با این تفاوت که پیش‌تر در ظاهر امر سعی می‌کردند تصویری نه‌چندان نامطلوب ارائه دهند. اما در دوره آقای ترامپ و طی دو سال اخیر، نقاب‌ها کنار رفته و امریکایی‌ها حتی زُست حقوق بشری را نیز کنار گذاشته‌اند. بدین معنا که اگر پیش‌تر ظاهری را رعایت می‌کردند و پشت پرده مرتکب جنایت می‌شدند، اکنون دیگر نه‌تنها آن نقاب، بلکه حتی آن ویرترین رانیز حفظ نمی‌کنند. در واقع، حقوق بشر امریکایی امروز به یک فاجعه تمام‌عیار برای جریان غرب و نظام فکری آن تبدیل شده است. در دو سال گذشته و در دوره دوم دولت ترامپ، چند ضلع مشخص در این زمینه قابل توجه است:

بار قطعنامه‌های آتش‌بس را وتو کرده و عملاً با همه امکانات، اسرائیل را در ارتکاب کودک‌کشی و نسل‌کشی همراهی نموده است. مجموعه جنایت‌هایی که در غزه رقم خورده، تا جایی پیش رفته که حتی حقوق بشر امریکایی امروز آمیزه‌ای است از زد‌ی، غارت، جنایت، جنگ افروزی و نقض تعهدات و توافق‌نامه‌های بین‌المللی. این حقوق بشر، هیچ

با اشاره به حضور باشکوه مردم در آیین‌های وداع، تشییع و تدفین رهبر شهید

پزشکیان: باید پاسخی شایسته به حضور تاریخی ملت بدهیم



جهان دانست و آن را سرمایه‌ای ارزشمند برای تحکیم مناسبات دوستانه و توسعه همکاری‌های فرهنگی، انسانی و بین‌المللی توصیف کرد. پزشکیان در بخش دیگری از پیام خود، از ملت مؤمن، برادر و دوست عراق به دلیل بدرقه‌ای سراسر از عشق، اخلاص و وفاداری، همدلی و ارادت آفریننده که حافظه تاریخی امت اسلامی جودانده خواهد ماند.
قدر دانسی از هم‌راهی ملت‌ها و دولت‌های دوست
رئیس‌جمهور در ادامه از ملت‌ها و دولت‌های دوست، رهبران و مقامات عالی‌رتبه، شخصیت‌های سیاسی، دینی، فرهنگی و اجتماعی، سازمان‌های بین‌المللی، نهادها و هیئت‌های رسمی کشورها، مخالفان که حضور در آیین‌های وداع و تشییع، برگزاری مراسم بزرگداشت، ارسال پیام‌های تسلیت و ابراز همدردی با ملت ایران همراه شدند، صمیمانه تشکر کرد و این میزبانی را جلوه‌ای درخشان از روابط برادرانه و راهبردی جمهوری اسلامی ایران و عراق و نمادی از همبستگی ملت‌های مسلمان دانست. رئیس‌جمهور با بیان اینکه در برابر شکوه،

چشم‌جهانیان

عزت آقای شهید و ملت بزرگ ایران



داود عامری

کارشناس سیاسی

از ماه‌ها پیش از آغاز جنگ، دونالد ترامپ

با سناریویی از پیش طراحی شده، جنگ روانی گسترده‌ای را علیه جمهوری اسلامی ایران آغاز کرد. او با به‌کارگیری ادبیاتسی تحقیرآمیز، دور از شأن دیپلماسی و اخلاق انسانی، می‌کوشید شخصیت و جایگاه رهبر ایران را در افکار عمومی داخلی و جهانی مخدوش سازد. هدف این عملیات روانی آن بود که با تخریب شخصیت، اراده، اقتدار، استقامت

و اعتمادبه‌نفس رهبر ایران را متزلزل کند و پیوند عاطفی و معنوی او با مردم را تضعیف سازد.

اما آنچه در میدان واقعیت رخ داد، روایتی کاملاً متفاوت بود. ملت بزرگ ایران و رهبر شهیدشان، نه با هیاهوی رسانه‌ای، بلکه با صبر، استقامت، عزت و ایستادگی به این نبرد شناختی پاسخ دادند. در میان آتش و خون، آنان تصویری از آرامش، ایمان و اقتدار به نمایش گذاشتند که بسیاری از معادلات ذهنی سیاستمداران و افکار عمومی جهان را دگرگون ساخت. جهان در برابر دو الگوی کاملاً متفاوت قرار گرفت؛ از یک سوی سیاستمداری که زبان تهدید، تحقیر و زور را برگزیده بود و از سوی دیگر، رهبری که با وقار، استقامت و تکیه بر مردم، نماد عزت، استقلال و وفاداری خواهد شد.

اوج این تقابل را می‌توان در آخرین تصویر ثبت‌شده از این نبرد روایت‌ها مشاهده کرد؛ تصویری که شاید ماندگارترین پاسخ ملت ایران به همه تلاش‌های دشمن برای تحقیر آنان بود. بدرقه باشکوه پیکر رهبر شهید، تنها یک مراسم تشییع نبود؛ نمایش عظیم سرمایه اجتماعی، انسجام ملی و نفوذ فرهنگی ملتی بود که رهبر خود را نه از سر اجبار، بلکه از سر عشق، ایمان و وفاداری بدرقه کرد.

این بدرقه تاریخی، از تهران تا قم، از نجف تا کربلا و سرانجام در جوار بارگاه ملکوتی امام رضا (ع) در مشهد مقدس، به حماسه‌ای نظیر کم‌نظیر در تاریخ معاصر تبدیل شد. میلیون‌ها انسان، فارغ از قومیت، زبان و ملیت، در سوگ او شریک شدند. نخبگان، اندیشمندان، شخصیت‌های سیاسی، مسئولان و نمایندگان از بیش از یکصد کشور جهان در این آیین حضور یافتند و میلیون‌ها انسان دیگر نیز در نقاط مختلف جهان با برگزاری مراسم‌های نمادین، همدلی و احترام خود را ابراز کردند. اگر چه در برخی کشورها، محدودیت‌ها و فشارهای سیاسی، به‌ویژه از سوی امریکا و هم‌پیمانانش، مانع حضور رسمی بسیاری از علاقه‌مندان شد، اما این موانع نتوانست از گسترش موج همدلی و احترام جهانی نسبت به این رخداد جلوگیری کند.

آنچه در این صحنه تاریخی به نمایش در آمد، صرفاً یک بدرقه باشکوه نبود، بلکه تجلی بازاریابی قدرت‌نم جمهوری اسلامی ایران در مقیاس جهانی بود. سرمایه‌ای که نه بر ابزارهای نظامی و اقتصادی، بلکه بر ایمان مردم، هویت تمدنی، فرهنگ مقاومت، عدالت‌خواهی و پیوندهای عمیق انسانی استوار است. این سرمایه اجتماعی و فرهنگی، نشانه ورود ایران به مرحله‌ای تازه از تحولات تمدنی و سیاسی است. مرحله‌ای که می‌تواند در هندهسه قدرت منطقه‌ای و جهانی تأثیرگذار باشد.

اگر قدرت سخت، امنیت یک کشور را تضمین می‌کند، قدرت نرم است که دل‌ها را فتح می‌کند و مشروعیت می‌آفریند. حماسه بدرقه رهبر شهید نشان داد که سرمایه فرهنگی و معنوی ایران همچنان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های قدرت این سرزمین است؛ سرمایه‌ای که می‌تواند در شکل‌گیری نظم‌های نوظهور جهانی نقشی تعیین‌کننده ایفا کند و امید ملت‌ها و عدالت‌خواهان جهان را به آینده‌ای مبتنی بر کرامت انسانی، استقلال و عدالت بیش از پیش زنده نگه دارد.

روایتی



با تائرات الحسین علیه‌السلام

مرزها خیلی چیزها را یک‌دیگر جدا می‌کنند، اما چیزهایی هم هستند که هیچ مرزی توان جدا کردن آنها را از هم ندارد. آنچه امروز در عراق رخ داد، شمه‌ای از اینها بود. نجف و کربلا اثر داشتند؛ زاری که آخرین بار حدود ۷۰سال پیش به پایوس صحن و سرای مولای مقتیان و سرور و سالار شیعیان آمده بود و اینک نه با پای خوبی که جسم غرق در خونش بر دوش سیل خروشان از اهل عراق، برای وداع، مهمان ایوان نجف و بین‌الخرمین می‌شد. «صدای ایران». روزنامه اینترنتی رسانه KHAMENI.IR در سرمقاله شماره ه سیدصودهشتادو خود نوشته است: خوبی که در محرم سال ۶۱هجری در صحرای کربلایر زمین ریخته‌شده خون خدا بود و بی‌شمار پرچم‌های خونخواهی که امروز در تشییع پاسدار اسلام واقعی برافراشته شد، گویندگان لیبیک به ندای «با لتائرات الحسین» هستند، چرا که قصه همان قصه است. اگر ابا عبدالله الحسین در آن دوران حاضر به بیعت با یزیدند، آینه‌التاریخ خمنه‌ای رضوان‌الله‌علیه‌نیز در برابر یزید این زمانه بر خام نکرده و در برابر مستکبرانی که قصد بلعیدن ایران را دارند، ایستاد و چند روز پیش از شهادت فرمود: «ملت ایران درس‌های اسلامی و شیعی خود را خوب بلد است؛ می‌داند که چه کار کند. امام حسین (علیه‌السلام) فرمود: مبتلی لا یباع مثل یزید؛ کسی مثل من، با کسی مثل یزید بیعت نمی‌کند. ملت ایران در واقع می‌گویند: ملتی مثل ما، با این فرهنگ، با این سابقه، با این معارف عالی، با سرمدلاری مثل افراد فاسدی که امروز در امریکا بر سر کارند، بیعت نخواهد کرد.»

آن فاسد کلخ و روسپانشین گمان می‌کرد که ترور چنین بزرگ‌مردی، ایران را می‌بلعد و پیروزی و افتخار نصیبش می‌شود و اینک خود را در برابر میلیون‌ها منتظمی می‌بیند که محدود به مرزهای ایران هم نیستند و نه تنها پیروزی این میدان نشد، بلکه خونخواهان خمنه‌ای شهید تا آخرین روز عمر متحوش خمنه‌ای همچون سسایه او را تعقیب خواهند کرد. یکی از اهداف اصلی حمله به ایران، در هم شکستن محور مقاومت بود، اما آنچه امروز در نجف و کربلا رقم خورده، نشان داد دشمن چقدر کوتاه‌فکر است. تشییع رهبر شهید انقلاب در عراق جلوه‌ای بارز، نه تنها از وحدت ساحات، بلکه از وحدت قلوب کسانی است که امام حسین علیه‌السلام را برگزیداند. حماسه امروز عراق پیام‌هایی راهبردی دارد که دوست و دشمن آن را دریافت و درک خواهند کرد.

اگر یزید توانست بر امام حسین علیه‌السلام پیروز شود، امریکانیز خواهد توانست در شهید خمنه‌ای رضوان‌الله‌علیه غلبه کند. کاروان تشییع رهبر انقلاب و خانواده شهید ایشان که از مصلای تهران آغاز شد و از قم به عراق رفت و در آخرین منزل به مشهد مقدس و جوار بارگاه ملکوتی امام توف خواهد رسید، سرآغاز بروز و نمود شکست و خواری دشمن ایران، این ملت و امت مبعوث‌شده که حق خود را ازادگان جهان، دوام عزت، امنیت، همبستگی، پیشرفت و سربلندی را از خودانند متعال خواست.

مقاومت را در اقیانوس متلاطم منطقه و فراتر از آن هدایت خواهد کرد.